

تہولات هویتی  
چوان اجتماعی  
علل بیرونی

## جامعہ شناسی یکا

### پایہ ڈھمی

نام دبیر: مریم یابندہ جهرمی  
استان فارس: شهرستان مرودشت

Lm.yabandeh@Hotmail.com

درس دوازدهم

YABANDEH

۲

ارتباط جهان های اجتماعی با یک دیگر به دو شکل صورت می پذیرد:

ارتباط در سطح عقاید و ارزش ها

ایجاد تحولات هویتی

ارتباط در محدوده هنجارها و نمادها و شیوه های زندگی

گسترش و پیشرفت جهان اجتماعی

« صرفه جویی ، مصرف نکردن نیست ، بلکه درست مصرف کردن است .» این جمله را همه ما بارها شنیده ایم .  
 خسیس و ولخرج در ظاهر متضاد یکدیگرند. ولی اگر دقیقتر نگاه کنیم، آنها در یک نقطه مهم اشتراک دارند و آن هم علاقه شدید هر دو به پول و مهم بودن پول برای آنهاست.  
 پول برای هر دو، به جای اینکه یک وسیله زندگی باشد، به هدف زندگی تبدیل شده است.  
 ولخرج مهم بودن پول را با خرج کردن زیاد آن نشان میدهد  
 و خسیس با خرج نکردن و انباشتن آن.  
 شیوه زندگی خسیس و ولخرج دو شکل اشتباه مصرف است.  
 مسئله، درست مصرف کردن است نه مصرف کردن یا مصرف نکردن!  
 و البته باید دید در هر موقعیتی، مصرف درست چگونه است.  
 ارتباط جهان های اجتماعی با یکدیگر نیز پذیرفته است و پرسش اساسی، نه در اصل ارتباط، بلکه در چگونگی آن است.

### ❖ به نظر شما شکل های صحیح و مفید یا غلط و مضر ارتباط جهان های اجتماعی کدام اند؟

تقلید کورکورانه که منجر به فراموشی و بی توجهی به عقاید و ارزش ها می گردد شکل غلط ارتباط می باشد .  
 شکل صحیح ارتباط این است که جهان های اجتماعی در تعامل و داد و ستد با یکدیگر عقاید ، ارزش ها و آرمانهای خود را حفظ کنند و در محدود نمادهای و هنجار ها و شیوه های زندگی عناصری را از جهان اجتماعی دیگر اخذ کنند و در صورت لزوم تغییراتی در آنها به وجود آورند و زمینه گسترش و پیشرفت خود را فراهم نمایند .

در چه صورت ارتباط جهان های اجتماعی با یکدیگر می تواند زمینه گسترش و پیشرفت آنها را فراهم نماید ؟

جهان های اجتماعی اگر در تعامل و داد و ستد با یکدیگر عقاید ، ارزش ها و آرمانهای خود را حفظ کنند و در محدود نمادهای و هنجار ها و شیوه های زندگی عناصری را از جهان اجتماعی دیگر اخذ کنند در صورت لزوم تغییراتی در آنها به وجود آورند ، می توانند زمینه گسترش و پیشرفت خود را فراهم کنند .

**مثال ۱ : جهان اسلام در نخست رویارویی خود با جهان های اجتماعی دیگر دچار تحولات هویتی نشد و گسترش پیدا کرد زیرا :**

جهان اسلام هویت فرهنگی ( عقاید و ارزش ها ) خود را حفظ کرد و فقط عناصر سازگار با هویت خود را از آنها گرفت و درموردی آنها را بازسازی نمود .

**مثال ۲ : جهان اسلام در مواجه با فرهنگ یونان و روم دچار تحولات هویتی نشد و پیشرفت کرد زیرا :**

۱- اسلام به دلیل اهمیتی که عقلانیت می داد فقط عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد .

۲- عناصر اساطیری و مشرکانه این دو فرهنگ را اخذ نکرد .

۳- متناسب با هستی شناختی توحیدی خود در دانش آنها دخل و تصرف کرد .

در چه صورت ارتباط جهان های اجتماعی با یکدیگر می تواند باعث ایجاد تحولات هویتی گردد ؟

جهان اجتماعی اگر در تعامل با جهان دیگر بر عقاید و ارزش های خود پافشاری نکند و داد و ستد فرهنگی به لایه های عمیق سرایت کند و به مرور زمان به عقاید و ارزش های خود پشت کند ،  
دچار تحولات هویتی می گردد .

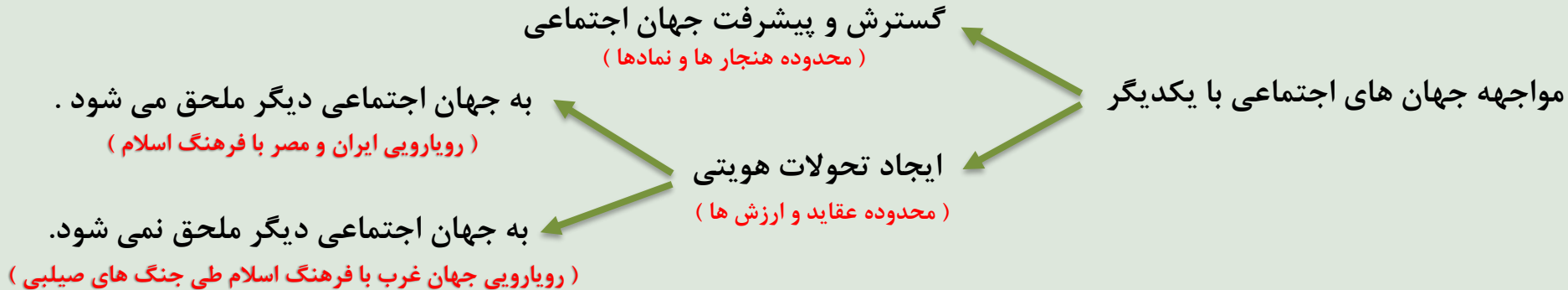
□ جهان اجتماعی که در مسیر **تحولات هویتی** ، ارزش ها و عقاید جهان اجتماعی دیگر را قبول کند به آن **ملحق می شود** .

❖ فرهنگ هایی مانند مصر، ایران و ... در رویارویی با فرهنگ اسلام دچار تحولات هویتی شده و به اسلام ملحق شدند زیرا :

آنها به عقاید و ارزش های خود پشت کردند و عقاید و ارزش های توحیدی اسلام را پذیرفتند .

ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر با پذیرش بخش هایی از عناصر آن ، هویت جدیدی به دست آورد و **دچار تحولات هویتی** شود بدون اینکه به جهان اجتماعی دیگر ملحق شود .

**مثال :** جهان غرب طی جنگ های صیلبی و در رویارویی با فرهنگ اسلامی برخی از عناصر فرهنگ اسلامی را پذیرفت و دچار تحولات هویتی شد بدون اینکه به جهان اسلام ملحق شود .



### سیر تحولات هویتی جهان غرب عبارتند از :

جهان غرب در دوره ای با عبور از عقاید و ارزشهای مسیحیت قرون وسطی به عقاید و ارزش های دنیوی و سکولار روی آورد و هویت جدیدی پیدا کرد .

جهان غرب طی جنگ های صلیبی و رویارویی با فرهنگ اسلامی با پذیرش برخی عناصر آن بدون اینکه به جهان اسلام بپیوندد تحولات هویتی پیدا کرد .

فرهنگ اساطیری یونان و روم باستان در مواجهه با فرهنگ مسیحیت دچار تحولات هویتی شد.

❖ جهان غرب در قرون وسطی ، چه بخش هایی از فرهنگ اسلامی را پذیرفت و چه بخش هایی را قبول نکرد؟

دستاوردهای علمی و دانش آن ها را دریافت کرد ولی عقاید و ارزش های دینی آن ها را نپذیرفت .

❖ آیا عقاید و ارزش های جهان اسلام را اخذ کرد یا در لایه های دیگری دست به انتخاب زد ؟

خیر - در لایه های سطحی تری دست به انتخاب زد .

ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر به **خود باختگی فرهنگی** گرفتار شود .

منظور از « خود باختگی فرهنگی » چیست ؟

اگر افراد یک جهان اجتماعی **مبهوت و مقهور** جهان اجتماعی دیگر شوند و **حالت فعال و خلاق** خود را انتخاب عناصر فرهنگی از دست بدهند و به گونه ای **تقلیدی** عمل نمایند به خود باختگی فرهنگی دچار می شوند .

پیامد های خود باختگی فرهنگی عبارتند از :

جامعه خودباخته نمی تواند فرهنگ خود را رها کند و به جهانی که مبهوت آن شده ملحق شود.  
( از این جا رانده و از آن جا مانده )

جامعه خود باخته نمی تواند فرهنگ خود را گسترش دهد .

جامعه خود باخته نمی تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم بخشد .



چرا جامعه ای که دچار از خود باختگی فرهنگی شده نمی تواند فرهنگ خود را  
تداوم و گسترش دهد و نمی تواند به فرهنگی که مبهوت آن شده ملحق شود ؟

چو به روش **تقلیدی** عمل می کند و **ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ** خود از دست می دهد .

چرا بسیاری از جوامع غیر غربی جوامع غیر غربی در رویا  
یی با جهان غرب دچار خود باختگی فرهنگی شده اند ؟  
چون **مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی** برتر آن ها گشته اند.

منظور از « غرب زدگی » چیست ؟

به **خود باختگی جوامع غیر غربی در برابر جهان غرب** ، غرب زدگی می گویند.



چند نکته

در زبان فارسی کلمه **بیگانه** در برابر کلمه **خودی** به کار می رود.

بیگانه شدن انسان از خودش را «**از خود بیگانگی**» می گویند.

به از خود بیگانگی جهان اجتماعی «**از خودبیگانگی فرهنگی**» می گویند.

معلمی برای اینکه دانش آموزان را به مطالعهٔ جغرافیا تشویق کند، می گفت:

« اگر می خواهید گم نشوید جغرافی بخوانید .»

این عبارت کاملاً درست است؛ ولی انسان صرفاً موجودی مکان مند نیست که مکان را گم کند

انسان موجودی زمانمند هم هست و ممکن است زمان را گم کند.

برای اینکه زمان را گم نکند، باید تاریخ را بشناسد.

انسان بُعد اجتماعی و فرهنگی هم دارد و باید جامعه و فرهنگ را هم به خوبی بشناسد

تا آنها را گم نکند یا در آنها گم نشود.

مهمتر آنکه انسان ممکن است خودش را گم کند.

❖ **راستی، ما خود را چگونه بیابیم؟**

به تعبیر امام علی (ع) خدا رحمت کند کسی بداند از کجا آمده ، کجاست و به کجا می رود .

گم شدگی، نه تنها برای افراد، بلکه برای گروهها، ملتها، امت ها و جهان های اجتماعی نیز ممکن است.

❖ **جهان اجتماعی چگونه از خود بیگانه می شود؟**

وقتی در مواجهه با فرهنگ دیگر هویت خود را از یاد برد یا عقاید و ارزش های آن به گونه ای باشد که

مانع آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان گردد .

از خود بیگانگی فرهنگی دو معنای متفاوت دارد :

### از خودبیگانگی حقیقی ( فطری )

جوامعی که عقاید و ارزش های آن به گونه ای است که مانع آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان می شود به این نوع از خودباختگی گرفتار می شوند .

در این نوع از خود بیگانگی  
واقعیت ها و آرمان های جهان اجتماعی  
مطابق حق نیست .

### از خودبیگانگی تاریخی

جوامع خود باخته ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر هویت خود را از یاد می برند به این نوع از خودباختگی گرفتار می شوند .

در این نوع از خود بیگانگی  
اعضای جهان اجتماعی  
واقعیت ها و آرمان های خود را فراموش می کنند .

جهان های اجتماعی که بر اساس فطرت انسان شکل نگرفته اند ( جهان مشرکانه اساطیری و سکولار) به از خود بیگانگی فطری دچار می شوند زیرا :

- ۱- در این نوع جهان اجتماعی ، تصویری که از انسان ارائه می شود سرابی از حقیقت است.
- ۲- در این نوع جهان اجتماعی انسان از حقیقت خود و جهان دور می ماند.
- ۳- در این نوع جهان اجتماعی فطرت انسان به آرامش نمی رسد و گرفتار اضطراب و تشویش می شود و سر به اعتراض و عصیان می زند.

جهان اجتماعی که براساس فطرت انسان شکل گرفته است(جهان توحیدی) دچار از خود بیگانگی فطری نمی گردد زیرا :

- ۱- در این جهان انسان با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می گردد .
- ۲- در این جهان درهای برکت زمین و آسمان به سوی انسان گشوده می شود .
- ۳- در این جهان انسان به خود آگاهی می رسد و خود و جهان را آیات و نشانه خداوند می داند که همواره همنشین خداوند است .



چند نکته

از نظر قرآن انسان زمانی به شناخت حقیقت خود و جهان می رسد که با نگاه توحیدی به خود و جهان بنگرد .

از نظر قرآن کریم عامل فراموشی انسان از خود ، **فراموش کردن خداوند** است .

در سوره حشر آیه ۱۹ می فرماید:  
همچون کسانی نباشید که خداوند را فراموش کردند  
و سپس خداوند آن ها را از یاد خودشان برد.